

نیمرخی از وضعیت کودکان خیابانی ایران در تحقیقات پیشین

کودکانی که به هر دلیل از خانه گریخته اند یا طرد شده اند و در خیابانها زندگی می کنند، به اتفاق آسیب دیده هستند و در معرض آسیبهای اجتماعی بیشتری نیز می باشند، اگر آینده این کودکان را بدون هیچ اقدام موثری در ذهن خویش تصور کنیم، بدون شک به یکی از آسیبهای اجتماعی و یا چند نابهنجاری با هم در این کودکان خواهیم رسید، کما اینکه از همین ابتدای خیابانی شدن مورد سوءاستفاده های فراوانی از جمله تجاوز جنسی، واسطه گری و استثمار توسط دلالان مواد مخدر، سرقت جهت رفع نیاز های اولیه و انواع خشونت قرار می گیرند. لذا توجه به وضعیت این کودکان و اتخاذ سیاستهای اجتماعی متناسب با نیازها و مشکلات آنان جهت سازماندهی و نوتوانی آنان از چند جنبه حائز اهمیت است: اولاً مهمتر از همه اینکه این کودکان انسانهایی پاک و معصوم اند که در حقیقت قربانی شرایط نامساعد خانواده و محیط شده اند و به عنوان انسانهایی که از حقوق خود محروم مانده اند می بایست به آنها رسیدگی و توجه نمود و حتی الامکان حقوق از دست رفته شان را جایگزین کرد ثانیاً این کودکان منحرفین و بزهکاران بالقوه ای هستند که انحراف اولیه در آنها رخ داده است و در صورت عدم توجه و رسیدگی چند گام بیشتر با بالفعل کردن بزه و انجام انحراف ثانوی فاصله ندارند، بنابراین جهت پیشگیری از پرورش بزهکاران حرفه ای در دامن جامعه اقدامات موثر و اتخاذ سیاستهای مناسب برای آنان الزامی می نماید. شاید مروری بر پژوهش هایی که در این حوزه انجام شده تصویر از وضعیت کودکان خیابانی در ایران را به ما ارائه نماید و زمینه ای برای سیاست گذاری صحیح برای ارتقای وضعیت این گروه از اقشار در معرض آسیب در جامعه باشد.

1- بررسی عوامل موثر بر خودپنداری کودکان خیابانی سنین ۱۲-۶ سال مراجعه کننده به فرهنگسرای خواجه کرمانی تهران، / شهزاد پاشایی پور؛ به راهنمایی: نسرين سلمانی باروق؛ استاد مشاور: ناهیددخت شریفی. / پایان نامه (کارشناسی ارشد) -- دانشگاه علوم پزشکی تهران، دانشکده پرستاری و مامایی، 1381.

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی است که با هدف تعیین عوامل موثر بر خودپنداری کودکان خیابانی سنین ۱۲-۶ سال مراجعه کننده به فرهنگسرای خواجه کرمانی تهران در سال ۱۳۸۰ انجام شده است. بدین منظور و براساس معیارهای مورد نظر ۱۴۰ کودک خیابانی سن ۱۲-۶ سال به صورت تمام شماری انتخاب شدند. نتایج حاصله از این بررسی نشان داد که بیشترین تعداد واحدهای مورد پژوهش (50 درصد) خودپنداری خیلی منفی داشته و فقط ۲۱ درصد آنها خودپنداری خیلی مثبت داشته اند. بنابراین کودکان خیابانی مورد پژوهش از خودپنداری پائینی برخوردار بوده اند. همچنین در بررسی عوامل موثر بر خودپنداری یافته ها نشان داد که بین یکسری از عوامل از جمله جنسیت، میزان سواد، میزان درآمد، مدت اشتغال به کار کودک، میزان شاد بودن در کنار خانواده، شخص مشاور، عکس العمل سرپرست در هنگام خطای کودک، داشتن وسایل ضروری منزل، داشتن غذا و پوشاک کافی، داشتن دوستان خیابانی قبل از کار کودک و خودپنداری واحدهای مورد پژوهش ارتباط معنی داری وجود دارد. بنابراین کودکان خیابانی از نظر تکامل جسمی و روانی در معرض خطر می باشند و نیاز به رسیدگی خاص دارند که این امر با همکاری بین بخشی سازمانها و نهادهای مختلف میسر می شود.

۲- بررسی عوامل موثر در بروز و شیوع پدیده کودکان خیابانی در شهرستان مشهد، هاشم مهدیزاده؛ به راهنمایی: مصطفی اقلیما؛ استاد مشاور: رمضانعلی قادری، مهدی احمدی ناصری. پایان نامه (کارشناسی ارشد) -- دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی، دانشکده مددکاری اجتماعی، ۱۳۸۱.

این تحقیق با عنوان بررسی عوامل موثر در بروز و شیوع پدیده کودکان خیابانی شهر مشهد و با هدف شناخت علل و عوامل موثر در پیدایش کودکان خیابانی انجام گرفته است. نتایج تحقیق نشان می دهد که ۶۶ درصد از کودکان خیابانی مورد بررسی با خانواده های خود در ارتباطند و برای کسب و کار ، درآمد ، جهت امرار معاش از منزل بیرون آمده سر به خیابان می گذارند. تعداد ۳۰ درصد آنها سابقه محکومیت دارند. تعداد ۴۱ درصد آنها بی سواد و تحصیلات پائین داشته و تعداد ۸۵ درصد آنها ملیت ایرانی داشته و ۱۵ درصد تابعیت غیر ایرانی داشته اند. تعداد ۵۶ درصد آنها بعلت ناسازگاری با والدین مخصوصا بدرفتاری پدر اقدام به ترک خانه کرده اند. در مورد انحرافات جنسی تعداد ۴۴ درصد آنها دارای اختلالات جنسی و ۲۲ درصد آنها اغفال گزارش شده اند ۸۰. درصد آنها را کودکان کم سن و سال هستند که کمتر از ۱۰۰ تومان درآمد در روز دارند.

پیشنهادات زیر با توجه به نتایج بدست آمد:

- 1- از طریق حمایت های مالی خانواده های این کودکان از خیابانی شدن آنها جلوگیری شود.
- 2- فراهم کردن زمینه بازگشت زندانیان به خانواده هایشان ، فراهم کردن زمینه تحصیل کودکان خیابانی.
- 3- جلوگیری از ورود کودکان بدون سرپرست به شهر مشهد.
- 4- بازگشت مهاجرین افغانی به کشورشان، آموزش تنظیم خانواده
- 5- پیشگیری از اعتیاد. ۶- تاسیس مهما نسرای کودکان خیابانی، توجه بیشتر به مناطق حاشیه نشین از جمله دیگر پیشنهادات برای کاهش خیابانی شدن کودکان می باشد.

۳- عوامل موثر بر خیابانی شدن کودکان، فاطمه جعفری، پایان نامه (کارشناسی)، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۰

پژوهش حاضر توصیفی پس رویدادی است. جامعه آماری آن ، کودکان خانه سبز در سال ۱۳۸۰ بوده است که به علت تعداد محدود این کودکان از روش سر شماری برای انتخاب پاسخگویان استفاده شده است و در مجموع ۶۹ نفر از کودکان خانه ی سبز مورد پرسش واقع شده اند. نتایج بدست آمده از بررسی وضعیت این کودکان نشان دهنده ی این است که ۹۴/۲٪ کودکان از پایگاه اجتماعی پایینی برخوردار بودند، ۵۰/۷۲٪ دارای تحصیلات راهنمایی و ۴۹/۳۸٪ فاقد تحصیلات بودند. اکثر کودکان یعنی ۴۳/۴۷، دارای حجم خانوار بالا و ۵۹/۵۳ درصد دارای حجم خانوار پایین بودند. همچنین والدین ۶۵/۱۲٪ کودکان مورد مطالعه ، از هم جدا شده بودند. از کل افراد مورد مطالعه ۸۹/۸۵٪ دارای مادر بودند. لذا اکثریت جامعه ی آماری دارای مادر بودند. بر اساس این پژوهش پایگاه نازل اجتماعی ، عدم دسترسی به آموزش و تحصیلات ، از هم گسیختگی خانواده از عوامل موثر بر خیابانی شدن کودکان بود.

۴- بررسی سیاست های اجتماعی در زمینه ی کودکان خیابانی شهر مشهد، هادی آتشی گلستانی ، به راهنمایی تقی دوست قرین، پایان نامه (کارشناسی ارشد) رشته ی مددکاری اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۲

در این تحقیق به منظور بررسی سیاست های اجتماعی در زمینه ی کودکان خیابانی از روش تحقیق کیفی استفاده شده است. اطلاعات با روش های مطالعه اسناد و مدارک ، مصاحبه با مسئولین و کارشناسان درگیر با این پدیده و نیز خانواده های کودکان خیابانی و همچنین مشاهده مستقیم جمع آوری شده است. جامعه مورد مطالعه در این تحقیق شامل دو بخش یک دسته مسئولین و کارشناسان هستند که به دلیل محدودیت جامعه آماری از روش سرشماری استفاده شده است و دسته دوم خانواده کودکان خیابانی هستند که

کودکان آنها توسط بهزیستی تحویل آنان شده است و در این قسمت از نمونه گیری تصادفی ساده استفاده شده است. هدف این تحقیق پاسخگویی به این سوالات اساسی بوده است که چه سیاست‌های در زمینه ی کودکان خیابانی وجود دارد؟ و سیاست‌های موجود از حیث محتوا و قابلیت اجرا با چه موانع و مشکلاتی روبرو است. نتایج این تحقیق که با روش تحلیل اطلاعات جمع آوری شده بدست آمده است نشانگر آن است که کشور ایران در زمینه اعمال سیاست‌های اجتماعی از طریق تدوین و تصویب قوانین بین المللی و مقررات توانسته است وضعیت نسبتاً مطلوبی را بوجود آورد و از این حیث با قوانین بین المللی و تعالیم اسلامی انطباق قابل قبول دارد، اما در سیاست‌گذاریه‌های اجرایی و اعمال آن موفقیتی بدست نیاورده است و کاستی‌های فراوانی همچون عدم وجود سرپناه کودکان خیابانی، نبود کانون‌های کارآموزی ویژه کودکان خیابانی، بی توجهی به برنامه مراقبت‌های جایگزین، عدم توجه به فرهنگ سازی در جهت حمایت اصولی عامه مردم از این کودکان، عدم ارائه خدمات در خیابان برای این کودکان، کم توجهی به وضعیت خانوادگی کودکان خیابانی و ... مشاهده می شود.

۵- بررسی وضعیت خانوادگی کودکان و نوجوانان فراری آنی و ارتانیان، پایان نامه (کارشناسی)، دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۷۹.

این تحقیق با هدف شناخت وضعیت خانوادگی کودکان و نوجوانان فراری و به نوعی درگیر زندگی خیابانی و به روش توصیفی انجام پذیرفته است. جامعه مورد مطالعه تمامی مددجویان پسر ۹ تا ۲۱ سال که در خانه سبز نگهداری می شوند بوده است و به دلیل محدودیت جامعه مورد مطالعه از روش سرشماری استفاده شده است. ابزار جمع آوری اطلاعات در این تحقیق شامل مصاحبه، مشاهده و پرسشنامه بوده است و نتایج زیر از این پژوهش بدست آمده است:

۱- بیشترین تعداد از کل جامعه مورد بررسی در سنین ۱۳ تا ۱۷ سالگی یعنی نوجوانان بوده اند.

۲- ۸۶ درصد از کل افراد مورد مطالعه مهاجر می باشند.

۳- تحصیلات ۵۶ درصد از کل این افراد راهنمایی و ۳۵/۳ درصد ابتدایی بوده است.

۴- ۷/۷ درصد از افراد پدرشان بیکار بوده و محقق نتیجه گیری کرده است که بیکاری پدر ممکن است در فرار فرزندان موثر باشد.

۵- پدران ۵۳ درصد از کل افراد جامعه مورد مطالعه بی سواد بوده اند و ۲۰/۶ درصد تحصیلات ابتدایی دارند. پس بی سواد می توانستند در فرار فرزندان موثر باشد

۶- سن اکثر پدران و مادران افراد مورد بررسی بالا بوده و فاصله ی سنی زیاد و عدم وجود تفاهم بین والدین و فرزندان می تواند عاملی در فرار آنان باشد.

۷- والدین اکثر (۸۸/۲٪) افراد مورد مطالعه با هم زندگی نمی کنند. پس می توان از هم گسیختگی خانواده را از عوامل موثر در فرار فرزندان از خانه دانست.

۸- ۶/۶۷ افراد دارای والدین ناتنی بوده اند و ۶۴/۷ درصد مورد بدرفتاری والدین و ۵۳ درصد مورد بدرفتاری والدین ناتنی قرار گرفته اند.

۹- ۸/۶۸ درصد از افراد مورد بررسی در خانواده های کثیرالاولاد زندگی کرده اند و ۶۴/۷ درصد نیز اظهار داشته اند که در خانواده مورد بی توجهی والدین قرار گرفته اند.

۶- بررسی علل فرار نوجوانان از خانه، محمد سعیدی، پایان نامه (کارشناسی) دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه طباطبائی، ۱۳۷۲

این پایان نامه بر روی گروهی از کودکان خیابانی با هدف بررسی علل و انگیزه های فرار نوجوانان از خانه انجام شده است. نتایج زیر از این تحقیق بدست آمده است: نابسامانی خانواده، سردی روابط عاطفی والدین، متارکه و طلاق، وجود ناپدیری یا نامادری، فقر فرهنگی، بی سواد و اعتیاد از مهمترین عوامل برانگیزاننده ی تمایل به فرار نوجوانان بوده است.

۷- بررسی وضعیت خانوادگی و اجتماعی کودکان خیابانی، امور آسیب دیدگان اجتماعی بهزیستی کشور، ۱۳۷۹.

جامعه ی آماری در این تحقیق شامل کلیه کودکان خیابانی کشور یوده و گروه نمونه کلیه کودکان خیابانی که در ۱۰ ماهه اول سال ۱۳۷۹ در مراکز کودکان خیابانی ۱۶ استان پذیرش شده اند، بوده است. بر اساس نتایج این تحقیق ۸۸ درصد کودکان خیابانی پسر و ۱۲ درصد دختر می باشند. کودکان ۱۳ ساله با اختصاص دادن ۸/۲ درصد کودکان خیابانی بالاترین درصد گروه سنی را به خود اختصاص داده اند. تقریباً ۱/۹ درصد زیر سن ۵ سال بوده اند و مابقی کودکان بین ۶ تا ۱۰ سال ۳۷/۴ درصد و کودکان ۱۱ تا ۱۵ سال ۳۹/۵ درصد و کودکان بالاتر از ۱۶ سال حدود ۲۱/۱ درصد می باشند. میانگین سنی کودکان مورد مطالعه ۱۱ سال و ۷ ماه بوده است. ۲۵/۳ درصد کودکان مورد مطالعه فاقد هر گونه سواد می باشند. ۲۴/۷ درصد کودکان در مقطع ابتدایی و ۲۵/۹ درصد در مقطع راهنمایی و ۱/۲۴ درصد در مقطع متوسطه می باشند. حدود ۸۴ درصد کودکان خیابانی با خانواده خود اعم از پدر و مادر یا خواهران و برادران ارتباط دارند و علی رغم اینکه حدود ۴۰ درصد فقط با والدین خود زندگی می کنند، بقیه کودکان امکان دسترسی و برقراری ارتباط با خانواده خود را دارند.

۸- بررسی علل پدید آورنده کودکان خیابانی شهرستان بیرجند، اداره بهزیستی بیرجند، ۱۳۸۰

در این تحقیق که به روش توصیفی انجام پذیرفته، جامعه مورد مطالعه تمامی کودکان خیابانی شهرستان بیرجند بوده اند و گروه نمونه عبارتست از ۵۰ نفر از کودکان خیابانی که به اداره بهزیستی آن شهرستان ارجاع شده اند. طبق نتایج این تحقیق عوامل موثر در بروز این پدیده عبارتند از فقر، خانواده های گسسته، ترک تحصیل و سطح سوادآموزی پایین، مهاجرت و شهرنشینی بوده است.

- این بررسی نشان داده است که ۸۶ درصد کودکان به خاطر نیازهای مالی و فقر به اشتغال روی آورده اند

- حدود ۲۵ درصد این کودکان حداقل یکی از والدین خود را از دست داده اند.

- کودکان خیابانی از تحصیلات پایین برخوردارند و در زمان اشتغال سعی در جهت کسب درآمد بیشتر دارند، لذا از حق طبیعی و مسلم کسب علم محروم می گردند.

در این تحقیق محقق به مهاجرت و شهرنشینی اشاره نموده است، اما به خشکسالی پیاپی و بیکاری روستائیان که اغلب آنها به کشاورزی و دامداری مشغول بوده اند به عنوان علل مهاجرت هیچ اشاره ای ننموده است.

۹- تحلیلی از موقعیت کودکان خیابانی تهران، دفتر بونیسیف،

۱۳۷۷

در این تحقیق نتایج زیر بدست آمده است:

۹۰ درصد کودکان خیابانی تهران پدر و مادر دارند، تعداد کمی یتیم هستند و والدین آنها اکثراً بی سواد هستند

پدران آنها فاقد مهارتهای حرفه ای هستند و مادران سهمی در درآمد ندارند.

۹۵ درصد کودکان خیابانی مذکر هستند و همگی ترک تحصیل کرده اند.

اکثر کودکان خیابانی در تهران از سایر نقاط ایران و همچنین کشورهای همسایه مانند افغانستان و پاکستان مهاجرت کرده اند. -این خانواده های مهاجر یا در ساختمانهای مخروبه سکنی می گزینند و یا حداکثر می توانند در بدو ورود به تهران یک اتاق برای اقامت همه افراد خانواده که معمولاً تعدادشان بین ۶ تا ۸ نفر است، اجاره کنند.

اکثر والدین کودکان خیابانی بی سواد بوده یا بیکارند و یا فاقد مهارت‌های حرفه ای هستند،

لذا کودکان مجبور می شوند برای کمک به معاش خانواده تحصیلات رسمی را رها کرده و به مشاغل خیابانی مانند دستفروشی و گدایی متوسل شوند.

از هم پاشیدگی خانواده ها و مرگ یا معلولیت والدین نیز کودکان را به خیابان می کشاند.

فرار تعدادی از کودکان و پناه آوردن ایشان به آغوش خیابانها به دلیل سوء استفاده های بدنی و روانی پدر یا ناپدری و یا نامادری می باشد که غالباً پیامد طلاق، مرگ یا ترک والدین یا ازدواج مجدد یکی از والدین است.

در زمستان بچه های کمتری در خیابان دیده می شوند، تعداد بسیاری از آنها به مناطق گرمتر مانند بندرعباس سفر می کنند.

۱۰- بررسی مقایسه ای ویژگی های خانوادگی - اجتماعی کودکان خیابانی و غیر خیابانی، نیره آرزومندی، به راهنمایی دکتر صمدی راد، پایان نامه (کارشناسی ارشد)، دانشکده ی علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۲ .

در این تحقیق سعی پژوهشگر بر آن است که به بررسی ویژگی های خانوادگی و اجتماعی کودکان خیابانی در مقایسه با کودکان غیر خیابانی بپردازد. ویژگی های خانوادگی مورد سنجش از قبیل تعاملات عاطفی شامل میزان علاقه کودک به پدر و مادر و اهمیت دادن به نظر کودک در تصمیمات خانوادگی، سابقه اعتیاد و زندانی شدن افراد خانواده، نوع سرپرستی مرد در خانواده و نیز آرزوهای تحصیلی والدین برای فرزندان می باشد. ویژگی های اجتماعی شامل سابقه مهاجرت، میزان تقید کودک به هنجارهای اجتماعی از قبیل تعهد مرد نسبت به پیوند ها و قوانین اجتماعی و احساس دل بستگی به خانواده و میزان کنترل خانواده می باشد و نیز حمایت اجتماعی که منظور از آن بهره مندی یا عدم بهره مندی از خدمات و سرویسهای اجتماعی سازمانهای حمایتی اجتماعی اعم از دولتی و خصوصی می باشد. نحوه گذران اوقات فراقت نیز به عنوان یکی از شاخصهای اجتماعی مورد مطالعه در این تحقیق است. سوال اصلی این تحقیق این است که آیا بین ویژگی های خانوادگی کودکان خیابانی و غیر خیابانی تفاوت وجود دارد؟ فرضیه ی اصلی: بین ویژگی های خانوادگی کودکان خیابانی و غیر خیابانی تفاوت وجود دارد.

سوال فرعی: آیا بین ویژگی های اجتماعی کودکان خیابانی و غیر خیابانی تفاوت وجود دارد؟

فرضیه فرعی: بین ویژگی های اجتماعی کودکان خیابانی و غیر خیابانی تفاوت وجود دارد.

روش تحقیق: از آنجائیکه تحقیق درصدد توصیف ویژگی های فردی و خانوادگی گروه مورد مطالعه (کودکان خیابانی) و مقایسه با ویژگی های کودکان غیر خیابانی است در واقع به دنبال رسیدن از معلول به علتهاست. از آنجا که محقق نمی تواند در هیچ کدام از شرایط و ویژگی های جمعیتی نمونه خود دخل و تصرف به عمل آورد و رویدادهای زندگی افراد مورد مطالعه در گذشته اتفاق افتاده اند، پس روش تحقیق از نوع بررسی پس رویدادی است که با مراجعه به فرد مورد مطالعه و طرح سوال از وی به وضعیت خانوادگی اجتماعی پی برد.

متغیرهای تحقیق: در این متغیرهای مستقل عزت نفس، میزان تقید به هم‌نوایی با جامعه، روابط خانوادگی، حمایت اجتماعی، مهاجرت، آرزوهای تحصیلی والدین برای فرزندان و متغیر وابسته خیابانی شدن کودکان می‌باشند. متغیرهای کنترل عبارتند از جنس که در این تحقیق پسران ۱۱ تا ۱۶ ساله خیابانی مورد پرسش واقع شده‌اند و دیگری پایگاه اجتماعی اقتصادی که در این تحقیق پسران خیابانی و غیر خیابانی که به لحاظ محل سکونت، شغل پدر و میزان تحصیلات پدر تقریباً مشابه بودند مورد سوال واقع شدند.

جامعه آماری و حجم نمونه:

در این پژوهش از دو جمعیت آماری استفاده گردیده است. یکی از گروه‌های شامل کلیه کودکان خیابانی پسر که در فاصله سنی ۱۱ تا ۱۶ سال در فاصله سی ام مرداد تا پانزده شهریور ماه ۱۳۸۲ به طور موقت یا دائم از امکانات آموزشی، تفریحی و حمایتی خانه کودک شوش وابسته به انجمن حمایت از حقوق کودکان استفاده نموده‌اند و گروه دیگر نیز از میان مددجویان و متقاضیان بهره‌مندی از حمایت‌های بنیاد خیریه کودک و انجمن آشیانه انتخاب شده‌اند.

حجم نمونه و انتخاب آن:

در این تحقیق جهت انتخاب گروه کودکان خیابانی از روش سرشماری استفاده گردیده است. بدین صورت که کلیه کودکان خیابانی پسر که در فاصله ۱۱ تا ۱۶ سال قرار داشتند و بطور دائم یا موقت در فاصله زمانی سی ام مرداد تا پانزده شهریور از خدمات خانه کودک شوش بهره‌مند بودند مورد مصاحبه و بررسی قرار گرفتند. بعد از انجام مصاحبه با گروه نمونه با توجه به متغیرهای خصیصه‌ای نظیر سن، جنس و پایگاه اجتماعی اقتصادی از بین ۳۰۰ پرونده ۵۰ پرونده به عنوان نمونه‌ی کودکان غیر خیابانی که به انجمن آشیانه و بنیاد کودک مراجعه نموده بودند، با مطالعه پرونده و کسب اجازه از والدین کودکان افراد گروه مقایسه انتخاب شدند. که حجم نمونه برای هر کدام از این گروه‌های مورد مطالعه ۵۰ نفر بوده که در مجموع حجم هر دو گروه ۱۰۰ نفر بودند. جمع‌آوری اطلاعات از طریق مشاهده، مطالعه اسناد و مدارک و کتب مربوطه و مصاحبه ساخت یافته صورت گرفته است. در این تحقیق از آمار توصیفی و همچنین آمار استنباطی یعنی کی دو و کرامر برای آزمون روابط بین متغیرها استفاده شده است.

نتایج توصیفی مربوط به گروه‌های مورد مطالعه

با مراجعه به جداول تحقیق می‌توان دریافت که بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی در این مطالعه از نظر تحصیلات تفاوت بسیاری وجود دارد و بیشترین فراوانی در گروه کودکان خیابانی در سطح ابتدایی و در گروه کودکان غیر خیابانی در سطح راهنمایی قرار دارند.

۶۲ درصد کودکان خیابانی از سوی والدینشان برای کار در خیابان تحت فشار قرار دارند، ۸۶ درصد از گروه نمونه، سایر اعضای خانواده در خیابان مشغول به کار می‌باشند. (پدر، مادر، برادر، خواهر و سایر اقوام) و ۱۴ درصد هیچ‌یک از سایر اعضای خانواده خیابانی نمی‌باشند.

۷۶ درصد کودکان خیابانی با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند در حالی که ۵۲ درصد از کودکان عادی با پدر و مادر خود زندگی می‌کنند.

۴۰ درصد کودکان خیابانی دارای اطرافیان معتاد هستند.

۲۴ درصد کودکان خیابانی دارای پدران با سابقه زندان هستند .

۴۳ درصد کودکان خیابانی سابقه دستگیری توسط پلیس را دارند.

۱۲ درصد کودکان خیابانی تحت پوشش سازمانهای حمایتی قرار دارند.

۷۰ درصد کودکان خیابانی سابقه آزار و اذیت توسط بزرگسالان در خیابان دارند

نتایج تبیینی

-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی از لحاظ انسجام خانواده تفاوت معنادار وجود دارد. بدین صورت که میزان انسجام

خانوادگی در خانواده گروه کودکان خیابانی بیشتر از کودکان غیر خیابانی است.

-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی از لحاظ بعد خانوار تفاوت معنادار وجود دارد.

-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی از لحاظ وضعیت تحصیلی تفاوت معنادار وجود دارد. به نظر می رسد که کودکان خیابانی به دلیل اشتغال از تحصیل باز می مانند و نسبت به کودکان عادی از وضعیت تحصیلی نامناسبی برخوردارند.
-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی از لحاظ گذران اوقات فراقت تفاوت معنادار وجود دارد که ۶۸ درصد کودکان غیر خیابانی اوقات فراقت خود را در داخل خانه و ۴۸ درصد کودکان خیابانی اوقات فراقت خود را در خارج از خانه می گذرانند.
-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی از لحاظ سابقه اعتیاد تفاوت معنادار وجود ندارد.
-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی از لحاظ میزان روابط عاطفی مناسب در خانواده تفاوت معنادار وجود دارد.
-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی از لحاظ دریافت و عدم دریافت حمایت اجتماعی تفاوت معنادار وجود دارد.
-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی از لحاظ سابقه مهاجرت تفاوت معنادار وجود دارد.
-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی از لحاظ میزان تقید به همنوایی تفاوت معنادار وجود دارد.
-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی از لحاظ سطح آرزوهای والدین برای فرزندان تفاوت معنادار وجود دارد.
-بین دو گروه کودکان خیابانی و غیر خیابانی بر حسب وجود یا عدم تنبیه بدنی تفاوت معنادار وجود ندارد.

11- بررسی مقایسه ای ویژگی های شناختی، رفتاری و اجتماعی کودکان خیابانی و شبانه روزی شهر تهران، علیرضا صالح، پایان نامه (کارشناسی ارشد) دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.

پژوهش حاضر پژوهشی شبه تجربی است. این تحقیق در پی پاسخ به سه سوال بوده است:

۱- آیا بین کودکان خیابانی و شبانه روزی از لحاظ ویژگی های شناختی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

۲- آیا بین کودکان خیابانی و شبانه روزی از لحاظ ویژگی های رفتاری تفاوت معنی داری وجود دارد؟

۳- آیا بین کودکان خیابانی و شبانه روزی از لحاظ ویژگی های اجتماعی تفاوت معنی داری وجود دارد؟

بنابراین متغیر مستقل در این تحقیق وضعیت زندگی کودکان (خیابانی و شبانه روزی) و متغیر وابسته ویژگی های شناختی، رفتاری و اجتماعی و متغیرهای کنترل جنس، سن تحصیلات است. جوامع آماری این پژوهش عبارت اند از جامعه کودکان خیابانی شهر تهران ساکن خانه سبز در سال ۱۳۷۹ با جمعیتی در حدود ۲۰۰۰ نفر و جامعه کودکان شبانه روزی مراکز شبانه روزی شهر تهران با جمعیتی در حدود ۲۵۰۰ نفر که از هر جامعه نمونه ای به تعداد ۳۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند. طیف سنی پاسخگویان ۷-۱۵ سال می باشد. روشهای جمع آوری اطلاعات، مشاهده و مصاحبه ساخت یافته در قالب ۳ پرسشنامه آزمون هوش وکسلر کودکان، ۲۹ مقیاس رفتار سازشی لمبرت و مقیاس رشد اجتماعی واینلند بوده است. نتایج بدست آمده نشان می دهد که که بین میانگین نمرات هوشبهر کودکان خیابانی و شبانه روزی تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین سطح هوشبهر کودکان خیابانی کمتر از نمرات هوشبهر کودکان شبانه روزی است. همچنین در سطح ویژگی های رفتاری (رفتارهای قالبی-اطوار عجیب - عادات ناپسند و گرایشهای بیش فعالی) میانگین نمرات کودکان خیابانی بیشتر از میانگین کودکان شبانه روزی می باشد. در سطح ویژگی های اجتماعی و رشد اجتماعی نیز میانگین نمرات کودکان خیابانی نسبت به کودکان شبانه روزی در سطح پایین تر قرار داشت و کودکان خیابانی از بهره اجتماعی پایین تری در مقیاس رشد اجتماعی واینلند برخوردار بودند.

۱۲- بررسی وضعیت کودکان خیابانی، مصطفی جانقلی

در این پژوهش کودکان مستقر در کانون اصلاح و تربیت در سال ۱۳۷۹ به عنوان جامعه آماری انتخاب شده اند. کودکان خیابانی به دو دسته ی عمده ساکن و مهاجر تقسیم شده اند و به لحاظ گذران امور پنج دسته اند: مشاغل خیابانی، مشاغل کاذب، ولگردان و باجگیران، متکدیان و گروه بزهکاران و به لحاظ وضعیت سکونت دارای تقسیمات متفاوتند: کارتن خواب فراری، کارتن خواب گروهی، اتوبوس خواب، قطار خواب و هتل خواب. این کودکان از نظر وضعیت سرپرستی ممکن است دارای والدین، تک سرپرست با مادر، تک سرپرست با پدر، تک سرپرست با مادر دارای ناپدری، تک سرپرست با پدر دارای نامادری، بی سرپرست دارای قیم و بی سرپرست فاقد قیم باشند.

در پایان باید گفت که علل خانه‌گریزی کودکان دارای سرپرست با کودکان تک‌سرپرست با هم متفاوتند. یعنی در جایی که خانه‌گریزی کودکان دارای سرپرست را معلول فقر عاطفی، تعدد زوجات، ترس از تنبیه و مجازات توسط بزرگترها به واسطه انجام عمل ضد اخلاقی، ضعف مشکل درسی، برخوردها و نگرشهای متعصبانه، اعتیاد والدین یا یکی از آنها و تمایل به استقلال فردی و تلاش برای اشتغال است. خانه‌گریزی کودکان تک‌سرپرست نتیجه فشارهای مضاعف سرپرستان نسبی و سببی دارای حق حضانت، خلاء عاطفی، فاش شدن راز کودک در بین اهالی محل مخصوصاً گروه همسالان و احساس نظارت در بین سایر اعضای خانواده است.

نتیجه‌گیری از تحقیقات پیشین:

از نتایج تحقیقات فوق که معدود تحقیقاتی هستند که در داخل کشور انجام گرفته است، می‌توان به چند عامل موثر در ایجاد و گسترش پدیده‌ی کودکان خیابانی اشاره کرد:

فقر، مشکلات و گسستگیهای خانواده (طلاق، فوت والدین، ترک کردن والدین)، ترک تحصیل و عدم آموزش کودکان، مهاجرت، شهرنشینی، مشکلات عدیده اقتصادی خانواده‌ها، عادی شدن اشتغال کودکان، وجود خانواده‌های افغانی با سرپرست یا بدون سرپرست و به تبع آن وجود کودکان افغانی در خیابانها، بی‌سوادی و عدم آگاهی کافی والدین، عدم مهارتهای حرفه‌ای پدران به عنوان نان‌آوران خانواده و....

اما اگر بخواهیم مساله را از دید کلی تر و جامع تری بنگریم باید به یک سری از نتایج گزارشات و تحقیقاتی که از سایر نقاط جهان بدست آمده است نیز اشاره کرد از جمله: فقر، خانواده‌های پرجمعیت، بیکاری، موفقیت تحصیلی اندک والدین، والدین بی مسئولیت، ارزشهای خانوادگی مبتنی بر مادی‌گرایی و مصرف‌زدگی، تعارضهای خانوادگی، محیط خانوادگی نامناسب، فساد و ضعف اخلاق در خانواده، ازدحام مناطق سکونت، اضمحلال ارزشها و اخلاقیات، فقدان دانش و مهارت در خانواده،

دسترسی غیر کارآمد به امکانات اساسی زندگی، امکانات کم خانواده، اجرای ضعیف قانون یا سوءاستفاده مجریان قانون.

محدودیت‌های تحقیقات پیشین

چنانچه بخواهیم در یک ارزیابی کلی درباره‌ی پژوهش‌های اجتماعی کشور پیرامون کودک خیابانی اظهار نظر کنیم می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

۱- فقدان یک موضوع نظری علمی غالب در پژوهش: دیدگاه نظری چارچوبی است که پژوهشگر براساس آن به تفسیر داده‌های گردآوری نشده می‌پردازد. فقدان چنین چارچوبی باعث شده است که داده‌های گردآوری شده پژوهشها عملاً "جز یک سری اعداد و ارقام غیر مرتبط معنای غنی تری نگیرند.

۲- محدودیت در کاربرد فرضیه‌ها: این نکته معطوف به جامعیت فرضیه‌های علمی است.

در پژوهشهای بررسی شده فرضیه‌ها بسیار محدود و غالباً دارای اعتبار ثانوی و درجه دوم هستند.

۳- عدم تناسب استنتاجات کاربردی با فرضیه های اثبات شده : در پژوهشهای بررسی شده بسیاری از پیشنهادات کاربردی در بطن تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته اند از جمله عدم توجه به مدیریت کلان جامعه و متغیرهای سیاسی.

۴- جامعه و نمونه : عدم استفاده از شیوه های نمونه گیری مناسب و رفع محدودیت در جهت تعمیم یافته ها.

۵- روشهای آماری : استفاده از روشهای آماری ابتدایی از قبیل آمار توصیفی و در مواردی اکتفا کردن به تحلیل دو متغیری و عدم استفاده از تجلیلهای چند متغیره

پیشینه اقدامات انجام شده

۱- ایجاد خانه های سبز برای نگهداری از پسران خیابانی و ریحانه برای نگهداری از دختران فراری و خیابانی : خانه سبز از سال ۱۳۷۶ شروع به فعالیت کرده که با ایجاد دفاتری ثابت و بسیار در مناطق از جمله پایانه های شرق ، جنوب مرقد امام ، راه آهن و حرم حضرت عبدالعظیم در جهت بازگشت کودکان به خانواده های آنان تلاش کرده است.

۲- احداث مرکز ساماندهی کودکان و نوجوانان خیابانی از طرف کانون اصلاح و تربیت و همچنین مراکز وابسته به سازمان بهزیستی ، کمیته امداد ، شهرداری و برخی سازمانهای خیریه

۳- اجرای طرح توانمند سازی خانواده های کودکان خیابانی با اعتبار دو میلیارد تومان در کشور با هدف حمایت از خانواده های کودکان کار خیابانی از طریق حرفه آموزی و اشتغال اعضای خانواده این کودکان ، سواد آموزی ، آموزش های بهداشتی و تربیتی به منظور ارتقای سطح آگاهی والدین ، حمایت های مالی مستمر و غیر مستمر شامل کمکهای موردی بلاعوض جهت خرید وسایل ضروری زندگی، پرداخت هزینه های درمانی و تحصیلی ، وام اشتغال ، پرداخت مستمری شش ماهه و پوشش بیمه ای کودک و اعضای خانواده

۴- تصویب آئین نامه ساماندهی کودکان خیابانی از طرف هیات وزیران بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تامین اجتماعی و براساس قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی که مفاد آن به شرح زیر است : تعریف کودکان خیابانی ، ساماندهی ، شناسایی ، جذب ، اقامت ، تاسیس مراکز کودکان خیابانی ، پذیرش ، ترخیص ، پیگیری وضعیت کودکان پس از ترخیص توانمند سازی ، تشکیل تیم تخصصی و حضور فعال نهادهای جامعه

ارائه پیشنهادات و راهکارهای اجرایی

۱- آموزش درک و شناخت صحیح رفتار کودکان و نوجوانان در سنین گوناگون و نحوه رویارویی با مشکلات و رفتارهای خاص کودکان و نوجوانان به خانواده ها

۲- گسترش چتر آموزش و حمایت کودکان در مناطق محروم و اتخاذ سیاستهای مناسب برای ایجاد عزم ملی در این زمینه و ایجاد زمینه های مناسب برای امکان ادامه تحصیل کودکان شاغل

۳- سرمایه گذاری و توجه دولت به تشکلهای مردمی ، خیریه ها و مؤسسات غیر انتفاعی خصوصی

۴- ایجاد مراکز ساماندهی و هدایت و حمایت کودکان خیابانی در مراکز استانها و شهرهای بزرگ

۵- ساماندهی و حمایت از کودکان کار

۶- برخورد جدی نیروی انتظامی و دستگاه قضایی با گروههای فاسد ، بزهکار و مجازات آنها

۷- تشدید حمایت از خانواده های آسیب دیده تحت پوشش نهادهای خیریه دولتی و خصوصی .

۸- ایجاد مراکز مراقبت و حمایت پس از خروج برای کودکان بزه پس از دوران تحمل کیفر.

۹- ایجاد نظام مددکاری در مدارس ابتدایی

۱۰- ایجاد و تقویت نظام مشاوره در دوره راهنمایی و دبیرستان

۱۱- بازگرداندن سریع کودکان فراری و خیابانی با حمایت به شیوه مددکاری به بستر خانواده و حمایت بلند مدت آنها

۱۲- تدوین قوانین مناسب برای حمایت از حقوق کودکان از جمله معاضدت حقوقی کودکان و نوجوانانی که توسط تیم قانونی و نزدیکان نسبی و سببی مورد ظلم واقع شده اند.

۱۳- سپردن کودکان رها شده ، بدسرپرست یا بدون سرپرست به خانواده های مناسب و نظارت بر نحوه آموزش و تربیت آنها و...